



## پناهندگی خارجیان به ایران در دوره صفویه

مهدی شریف پور شوشتری<sup>۱</sup>، محمدرضا زرگران خوزانی<sup>۲</sup>

۱- دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

۲- دانشجوی دکتری اگروتکنولوژی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان / ملاتانی

### چکیده

بعد از روی کار آمدن سلسله صفویه و فراز و نشیب های طولانی در ایران که توانسته اند یک حکومت ملی مقتدر ایجاد و مذهب کشور را رسماً شیعه دوازده امامی معرفی و رسمی نمایند در این دوره شاهد پدیده ای اجتماعی به شکل گسترده به نام پناهندگی هستیم که در این تحقیق به دنبال جواب برای این پرسش هستیم علت و علل پناهندگی خارجی به ایران صفویه چه بوده است؟ با بررسی موضوع در این دوره به علل مختلفی می رسیم که می توان آن ها را به مذهب مشکلات اقتصادی فرهنگی و علمی و کشور داری قوی در منطقه و جهان اشاره و هدف از این تحقیق آن است که بتوان مشخص کرد تا حد مقدمات این پناهندگی و از این پدیده اجتماعی آن دوره درسهایی برای این دوره تاریخ ایران گرفت این تحقیق با مراجعه به کتابخانه و اسناد و مدارک تهیه شده است

**واژگان کلیدی:** پناهندگی، پناهنده، عثمانی، هند، ازبک



## ۱- مقدمه

زمانی که تاسیس دولت صفویه در سال ۹۰۷ هجری قمری در ایران به وقوع پیوست، رقابت شدید سیاسی، مذهبی و اقتصادی بین نه تنها ایران و کشورهای همسایه ایجاد کرد، بلکه با توجه به تبدیل شدن ایران به یک قدرت اول منطقه‌ای و بعد جهانی منجر به پناهندگی‌هایی از خارج به ایران گردید، با توجه به حجم آن‌ها، پناهندگی به عنوان مسئله‌ای در جامعه ایران آن زمان ظهور یافت که با توجه به همجواری سرزمینی و نزدیکی عقاید و مذهب انتخاب کشورهای هند، عثمانی و ازبک بوده در این تحقیق سعی شده که معانی لغوی، سیاسی و حقوقی از پناهندگی و کسانی که پناهنده می‌شوند و چشم اندازی از این نابهنجاری اجتماعی، اشاره‌ای به این سنت (پناهندگی) که در ایران قبل و بعد از اسلام هم دارای سابقه می‌باشد نمود و سپس به بررسی دلایل اقدام به این عمل در این دوره توسط طبقات و اقشار مختلف جامعه‌هایی که از آنان به ایران پناهنده شده‌اند پرداخت و در صدد آنیم که در این برهه از زمان اشخاص و گروه‌ها و عقاید مذاهب مختلف به چه دلایل خاصی جامعه خود را ترک و به ایران پناهنده شده‌اند. خاطر نشان می‌نمایم که در زمستان سال ۱۳۹۷ مقاله‌ای را تحت عنوان پناهندگی ایرانیان به خارج در دوره صفویه داشته‌ام، که البته در مقابل آن با تأخیری این مقاله را تهیه نمودم.

## ۲- تعریف پناهنده

مهاجرتی که بخاطر ترسی موجه از تعقیب و آزار بدلیل نژاد، مذهب و عضویت در یک گروه اجتماعی، یا دارا بودن عقیده سیاسی خاصی می‌باشند، بطوریکه عمدتاً در خارج از کشور، بسر ببرند و به دلیل چنین ترسی قادر و یا مایل به بازگشت به کشورش نباشد. این تعریف از پناهنده زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد، که در تمایز بین مهاجرت و پناهندگی و بیان رویدادهای تاریخی کمک قابل توجهی خواهد نمود (نظری تاج آبادی ۱۳۶۹، ج ۱، ۳۳).

### ۲-۱- مفهوم پناهنده و پناهندگی در فارسی

در فرهنگ فارسی پناهندگی به معنای پناه بردن، پناه آوردن، پناه جستن، پناه گرفتن، به کسی و یا جایی پناهنده شدن، زناهار خواستن، پناهنده، پناه گیرنده، پناه برنده، پناهندگی، حالت و عمل پناهنده، پناهنده بودن. پناهنده: پناه برده، پناه گرفته [و کسیکه دیگری به و پناه برده، پناه دهنده] پناه: امر به پناه برده، پناه بردن و به معنی پناه دهنده هرگاه با کلمه دیگری ترکیب شود مثل اسلام پناه، جان پناه. (عمید، ۱۳۶۰، ج ۱، ۴۸۳).



## ۲-۲- مفهوم پناهندگی

این واژه در لاتین Asylum به معنای توقیف نشدن یا آزاد بودن از توقیف، این حق به نفع افرادی است که از سوی مقامات کشوری تحت پیگرد بوده و برای فرار از مجازات به اماکنی پناه میبرند. که مقامات تعقیب کننده امکان داخل شدن به آنها را ندارند، این اماکن یا در حوزه حاکمیت دولت تعقیب کننده فرد نیستند که در اکثر اوقات به دیگر کشورها به خصوص کشورهای هم مرز صورت می پذیرد یا مکانی در قلمرو دولت تعقیب کننده فرد است، که بر خوردار از مصونیت یا عدم تعرض است. (اردلان، ۱۳۸۷، شماره ۴، ۹۵۲).

## ۳- پیشینه تاریخی

پناه بردن و پناه جستن که لازمه آن وجود یک محل یا مکان است، در تاریخ بشر دارای ریشه های کهن می باشد و در مفاهیم اجتماعی، قبل از آنکه ردپایی مکتوب برجای گذارد موجود بوده، اما مسئله پناهندگی درحالیکه از مفاهیمی است که در عمر طولانی خود تنها در روزگار اخیر به شکل و مفهوم در حقوق بین الملل و پیمان های بین المللی در آمده و دارای تعابیر خاصی شده، اما در طول تاریخ برای آن وجودی طولانی و همزاد زندگی اجتماعی با رشد اولین امپراطوری ها و بعد شهرها، مکانیزم های حکومتی برای اجرای قوانین جزایی و مدنی بکار افتاده و مفهوم پناهندگی از حفاظت افراد در مقابل انتقام خویشاوندان به حمایت ناراضیان در مقابل قدرت رژیم های در حال ظهور تغییر یافته. در طول دوره ها انگیزه های پناهندگی از اشکال ساده خود به شکل های پیچیدتری تغییر شکل و ماهیت داده این سابقه (پناهندگی) را می توان در اروپای قرون وسطا و حتی بعد از آن در کلیسا، ابتدا پیدایش مسیحیت که مامنی برای پناهندگی بود یافت. همچنین حق پناهندگی در کلیسا تا قرن سیزدهم و تا پیش از انشعاب مذاهب ارتدکس در برابر کلیسای کاتولیک و نیز پیدایش مذاهب پروتستان محترم بود. (یگانگی، ۱۳۸۱، ج ۱، ۴۰۳) سابقه پناهندگی در تاریخ ایران به سال ۵۵۰ قبل از میلاد میرسد، زمانیکه سرداران یونانی از هیپایس دما راتوس به ایران فرار کردند و پادشاهان ایرانی به آنان پناه دادند و در عهد پادشاهان اشکانی، ساسانی تا ظهور اسلام در ایران نیز نمونه هایی از پناهندگی ایرانیان به خارج و برعکس آن در تاریخ ثبت شده است. (اردلان، ۱۳۸۷، شماره ۴، ۵۵۳).

## ۴- سنت پناهندگی

بطور بسیار ابتدایی پدیده ترس جان در مقابل یک خطر خارجی و پناه گزیدن در یک محل امن را می توان گزینه ای مشترک در همه ی جانداران توصیف کرد. همین ترس غریزی، انسان اولیه را که از ابزار دفاعی کمی برخوردار بود به جانب غارها و شکاف کوه های صعب العبور کشانیده و بعد ها با گرد آمدن انسانها دور یکدیگر و تشکیل جوامع ابتدایی ترس از نیروهای مافوق الطبیعه و جانوران جای خود را به ترس از هم نوعان داد. (اردلان، ۱۳۸۷، شماره ۴، ۹۵۳)



این ترتیبات به منظور ایجاد محل امن برای افراد در جوامعی بود که سیستم های عدالت جزایی در آن بوجود نیامده و امکان مناسب بودن انتقام یا مجازات با جرم ارتكابی وجود نداشت. آنچه در تاریخ بعد از اسلام ایران در مورد پناهندگی وجود دارد بی شک آمیخته ای از این نهاد در تاریخ ایران قبل از اسلام و دستورها و سنن اسلامی است.

بدون شک پس از گسترش دین مبین اسلام و اختلاط اجتماعی اقوام مختلف، نهاد های اجتماعی آنان از جمله سنن ایرانیان و اعراب به همراهی تعالیم قرآن از منابع عمده حمایت از پناهنده و رعایت اصول پناهندگی بوده، بعنوان مثال کعبه یکی از مهمترین مکان های مقدس بوده که بعنوان مامن پناهندگی برپا گردیده و در حقوق اسلامی مفهوم امان متضمن دو نکته اساسی است:

الف) حق اعطای پناهندگی مقدس است و نمی توان آن را از کسی دریغ داشت.

ب) اینکه به هیچ عنوان نمی توان شخص را به کشور اصلیش برگرداند، که می توان گفت که اسلام جز اولین نهاد هایی بوده که اصل بازنگرداندن پناهنده و عدم اخراج افراد پناهندگانی که مرتکب جرایم سیاسی شده اند پذیرفته و این نکته در معاهدات کشور ایران کشورهای همسایه به خصوص در عهدنامه ارزنة الروم با کشور عثمانی مد نظر قرار گرفته و همچنین در ایران قبل از اسلام در خصوص پناهندگی میتوان به رفتار ناجوانمردانه افراسیاب را با سیاوش که به وی پناهنده شده، را در مقابل رفتار بزرگوارانه کاووس شاه در رابطه با پناهندگی فرنگیس مادر کیخسرو در شاهنامه دید. در زمان فرهاد چهارم جمعی از سران ایران به روم پناهنده شدند که امپراطور روم درخواست پادشاه اشکانی را در مورد استرداد آنها رد کرد. در تاریخ ساسانی نیز میخوانیم پس از آنکه خسرو پرویز در جنگ با بهرام چوبین شکست خورد و بعد از عبور از دجله به سیرسریوم که تابع بیزانس بود در آمد و رومی ها وی را با احترام پذیرفتند. همچنین موریس امپراطور بیزانس حاضر شد خسرو پرویز را پسر خود دانسته و حمایت نماید، تا به طرف ایران بازگردد. البته به شرطی که در ازای چنین همراهی ارمنستان ایران را به دولت بیزانس واگذار نماید. (نظری تاج آبادی، ۱۳۶۹، ج ۱، ۱۸).

و در طول تاریخ معاصر ایران، مسئله پناهندگی همواره وجود داشته و علاوه بر پناهندگی به کشورهای خارجی در داخل کشور نیز به اشکال مختلف ظهور داشته، که در داخل به شکل بست نشینی و تحصن در اماکن مقدسه، بقاء متبرکه، حتی مساجد و خانه های علما و سادات، اصطبل شاهی، زیر توپ، بیرق، تلگراف خانه، مجلس و بالاخره از همه مهمتر که تاثیرات عمیقی در مسائل اجتماعی و ارتباط خارجی داشته با قطع امید از اهرم های داخلی، پناهنده شدن به کنسول ها و سفارت خانه های خارجی بوده است. (بایوردی، ۱۳۴۲، ج ۱، ۱۲).

اقدامات تبعیض آمیزی چون اعمال محدودیت های جدی در حق زندگی کردن، حق اجرای فرایض مذهبی که برای شخص، پیامدهای زیان باری به همراه دارد آزار محسوب میشود که در دوره صفویه به کرات اتفاق افتاده است. (کیهان لو، ۱۳۹۰، ج ۱، ۴۷).



## ۵- دلایل پناهندگی

از عمده و مهمترین و اثر گذار ترین دلایل که موجبات پناهندگی را در فرد و یا افرادی موجب میشود، میتوان از داشتن عقیده سیاسی دانست، که اصولاً عقیده سیاسی را بعنوان عقیده مخالف یا منتقد سیاست های حکمرانان بر کشور تعریف میکنند. ( کیهانلو، ۱۳۹۰، ج ۱، ۲۲۳).

یکی دیگر از دلایل مورد ترس است، البته ترسی موجه که عبارت است از مورد آزار قرار گرفتن و یا ترس از قحطی، بلایای طبیعی ( کیهانلو، ۱۳۹۰، ج ۱، ۱۷ ) و دیگر دلیل عوامل در پناهنده شدن می توان از آزار نام برد و دیگری ملیت، که رایج ترین معنای ملیت را شهروندی می داند که از آن رابطه حقوقی میان فرد و دولت باشد و دیگر از دلایل می توان به مذهب اشاره داشت، که تاریخ فراوان از وقایعی است که حداقل در بخشی از خود از نابرابری های مذهبی میان ملل و حکومت ناشی می شده اند. ( کیهانلو، ۱۳۹۰، ج ۱، ۱۸۱ ) و دیگر عامل را می توان دخیل در پناهندگی، نژاد، افراد یا فرد دانست. نژاد همچنین در اغلب موارد مستلزم عضویت در یک گروه اجتماعی و دارای نسبت مشترکی است که تشکیل دهنده یک اقلیت در داخل یک جمعیت بزرگتر می باشد و بعضی دیگر به خصایص ژنتیکی اشاره دارند. ( کیهانلو، ۱۳۹۰، ج ۱، ۳۴۱ ) و دیگر از عوامل پناهندگی می توان در عضویت در گروه ها و دسته هایی خاص اشاره داشت. که مصداق آن را می توان اشراف، سرمایه داران، مقامات سابق، گروه اقلیت قومی و افراد بی تابعیت که ممکن است هدف اتهامات و حملات دولت قرار گیرند اشاره می کند ( کیهانلو، ۱۳۹۰، ج ۱، ۲۸۳).

## ۶- رقابت بین ایران و عثمانی

تاسیس دولت صفویه رقابت شدید سیاسی و مذهبی بین ایران و عثمانی را ایجاد کرد و طی حاکمیت صفویان تنش های متعددی میان آنان رخ داد، که با روی کار آمدن دولت صفوی با انگیزه های شدید مذهبی هرچند در ابتدا بخش نسبتاً کوچکی از ایران را در بر گرفت، اما سرعت دامنه نفوذ سیاسی و معنوی خود را توانست در سرتاسر ایران گسترش دهد و این برای دولت عثمانی مایه نگرانی بود. اقدامات موسس سلسله صفوی در رسمی کردن مذهب شیعه، لعن و توهین به مقدسات و سختگیری شدید نسبت به اهل سنت و نفوذ روز افزون شیعه در قلمرو عثمانی و ترویج تشیع با نیروهای نظامی در ایران تقابل دو مذهب را در دو کشور نشان می داد. به همین دلیل صفویان و عثمانی ها که به شدت و متعصبانه برخورد می کردند، در این دوره هر کس از علمای اهل سنت ساکن ایران که در برابر شاه برمی خواست، در معرض قتل قرار می گرفت. بنابراین بعضی سکوت کردند و برخی دیگر مجبور به پناهندگی شدند که از آن جمله می توان به ادریس بتلیس وقایع نگار دولت بایندریه، روزبهان خنجی و قاضی عمر اشاره کرد. بطور کلی پادشاهان عثمانی و صفوی در طول ۲۲۸ سال همجواری از نظر سیاسی و مذهب با یکدیگر مخالف بودند و این امر موجب پناهنده شدن برخی افراد سرشناس به دو کشور شد، که بر تنش موجود بین این دو کشور افزود.



## ۷- نقش پناهندگان در روابط خارجی ایران عهد صفوی

بررسی روابط خارجی و مناسبات سیاسی بین دولت‌ها همواره از مباحث مهم دوره‌های تاریخی محسوب می‌شود. این موضوع زمانی بیشتر ظهور می‌یابد که حکومت‌های مقتدر با حوزه جغرافیای مشخص در کنار هم باشند. درست در میانه قرون دهم و یازدهم شاهد حضور حکومت‌های قدرتمند و هم‌عصر بودیم که هر یک در قلمرو خود دارای قوانین و مقررات فرهنگی و سیاسی خاصی بودند. رقابت دولت‌های هند، ازبکان عثمانی و ایران صفوی و به خصوص دولت صفوی و عثمانی نقش موثری در فضای سیاسی به خصوص جنگ و صلح در منطقه ایفا می‌کردند. یکی از مهمترین چالش‌ها در روابط بین این کشور پناهندگی افراد ذی نفوذ در حکومت‌های همسایه بود و همجواری این حکومت‌ها فرصت را به مدعیان و مخالفان سیاسی داد تا بهره‌گیری از فضا و شرایط موجود و یاری گرفتن از حکومت رقیب نسبت به فشارهای سیاسی، مذهبی بر ضد حکومت‌های پیشین اقدام نماید. (ولایتی، ۱۳۷۵، ۳۳-۳۲).

خاستگاه طوایف و قبایل پناهنده عثمانی به ایران

ورود تکلوها به طریقه صفوی از دوره خواجه علی با آزادی صوفیان روملو اسیر امیر تیمور گورکانی صورت پذیرفته است. باید گفت که استجلوها از قبایل ساکن ورتیواس، آماسیه و توقات منصوب بودند و قسمت مهم مریدان شیخ جنید و شیخ حیدر را از این قبیله بودند و انتساب استجلوها را به شخصی به این نام می‌دانند. محمد بیگ استجلو (سومر؛ ۱۳۷۱، ۵۶).

## ۸- طوایف و قبایل پناهنده عثمانی به ایران

در دولت عثمانی آن زمان طوایف و قبایلی زندگی می‌کردند که بیشتر آنها را می‌توان گفت یا عمده‌ای از آنها به طرف ایران پناهنده شده‌اند؛ به شکل جمعی؛ طایفه‌ای یا قبیله‌ای که می‌توان آنها را به شرح ذیل آورد:

قبایل: قزلباش، تکللو، ذوالقدر، روملو، افشار، شاملو، قاجار، استجلو، ورساق، عربگیرلو، تالش، ساری قمیش، وساق، صوفیه، قراچه داغ

طوایف: خنسلو، تورقودلو

که از میان پناهندگان بالا که نام برده شد از نظر تعداد نفرات حاکمیت، حکمرانی در دوره سلجوقی و هم در دوره عثمانی دارای اهمیت بسزایی هستند که در زیر به هر کدام آنان اشاره می‌شود:

## ۹- پیوستن قزلباشان به نهضت صفوی

طوایف قزلباش مرکب از استجلو، شاملو، روملو، ذوالقدر، افشار و قاجار بودند که علاوه بر این طوایف هفتگانه قبایل وساق، صوفیه و قراچه داغ نیز به کمک شاه اسماعیل آمدند (روملو، ۱۳۴۹، ۹۵۴).



انگیزه پیوستن قزلباشان به صفویه صرفاً جنبه سیاسی داشت مثلاً قبایلی مانند حمید لو و تکلو که بعدها به تکلو مشهور شدن کینه عجیبی نسبت به عثمانی ها داشتند به دلیل آن که در آغاز یورش ترکان سلجوقی و توسعه طلبی آنها در غرب این دو طایفه اعتباری کسب نمودند، حال آنکه عثمانی ها بعد از کشته شدن پادشاه سلجوقی آسیای صغیر حکومت را قبضه کردند و برای طوایف بسیار سخت گیرانه رفتار نمودند و آنها را از دایره قدرت خارج نمودند و انگیزه پاره‌ای دیگر افراد این قبایل (شاملو، ورساق، صوفیه قراباغ و قاجار) گرایش مذهبی و عشق به کوچ و جنگاوری ماجراجویانه و بهبود زندگی بود، به هر روی فشار و عثمانی ها بر طوایف ترکمان و علایق مذهبی خود آنان موجب شد تا همزمان باتشکیل صفویه سیل پناهندگان و مهاجران ترکمان از سرزمین های آناتولی به آذربایجان سرازیر شود و اساساً قزلباشان که جزء همین ترکمانان جنگجو نبودند در دایره سلسله صفویه و تحت الشعاع برخی از فرقه های افراطی شیعه قرار گرفتند (طاهری ۱۳۴۹؛ ۱۴۹).

#### ۹-۱- قزلباشان

که در بعدا پایه های نظامی دولت صفویه را تشکیل دادند از نظر فکری صوفیان شیعی به شمار می آمدند که از ابتدا دولت صفویه به مبلغین متعصب شیعه دوازده امامی تبدیل شدند و به همین دلیل هم شاهان صفویه بیشترین منافع اقتصادی را در اختیار آنان می گذاشتند و به همین دلیل قزلباشان مهاجر و سپس پناهنده به یکی از طبقات قدرتمند عصر صفوی تبدیل شدند (یوسف جمالی ۱۳۷۲؛ ۹۵۴).

#### ۹-۲- طایفه روملواها

آنان هم از از نژاد ترکمانان عثمانی و آناتولی هستند که توسط امیر تیمور بعد از سال ۸۰۴ هجری قمری اسماعیل پناهنده شدند (یوسف جمالی ۱۳۷۲؛ ۸۹۹).

#### ۹-۳- طایفه شاملو

مشهور به قزلباش هستند و از مریدان سابق خاندان صفویه و اولین گروه های ترکمان هستند که به خدمت صفویه در آمدند آنان از آسیای صغیر بوده و به ایران پناهنده شدند (یوسف جمالی؛ ۱۳۷۲؛ ۲۷).

#### ۹-۴- طایفه ذوالقدر

از اواخر قرن هشتم در نواحی مرعش و والتیان حکومتی مستقل داشتند و منشاء آنان اصالتاً کرد بوده و با همراهی شیخ جنید از دیاربکر به ایران پناهنده شدند (۸۶۴ هجری قمری). این طایفه در ایران ماندگار شده و از آن پس در خدمت سلطان حیدر و پسرش شاه اسماعیل در آمدند (یوسف جمالی؛ ۱۳۷۲، ۸۹۹).



## ۹-۵- طایفه افشار

از طوایف ترکمانی هستند که در زمان مغول از ترکستان مهاجرت نموده و به آذربایجان اقامت گزیده و پناهندگی گرفتند (یوسف جمالی؛ ۱۳۷۲، ۸۹۹).

تکلوها: از طوایف قزلباش مستقر در آناتولی بودند که در دو دوره به ایران پناهنده شدند؛ دوره اول همزمان با تشکیل دولت صفوی و دوره دوم که پانزده هزار نفر بودند به رهبری شاه قلی خلیفه در ۹۱۷ هجری قمری به ایران پناهنده شدند. (فلسفی، ۱۳۴۷؛ ۱۶۳).

این قبیله از ترکان ناحیه ای به نام تکلّه الی واقع در جنوب آسیای صغیر در ساحل شمالی دریای مدیترانه ساکن منطقه آنتالیا بودند و در میان آنان افرادی از ولایت حمید و ولایت مش دیده می شد (سومر، ۱۳۷۱؛ ۱۶۳).

## ۱۰- دلایل پناهندگی عثمانیان به ایران

یکی از اهدافی که شاه اسماعیل دنبال می کرد نفوذ مذهبی در خاک عثمانی بود که وی با اعزام افرادی تحت عنوان خلیفه به قلمرو عثمانی به تبلیغ مذهب تشیع و ترغیب شیعیان آناتولی اقدام می نمود بنابراین شیعیان عثمانی از فشار و تعدادی حاکمان عثمانی ناراحت بودند و بعد از ظهور شاه اسماعیل و تقویت شیعه در ایران جانی تازه گرفتند و شاه اسماعیل و ایران را حامی خوبی برای خود می دیدند (میرخوانده؛ ۱۳۵۰، ۹۶-۹۷).

سلاطین عثمانی به شکل های مختلف برای براندازی دولت جوان صفویه در تلاش بودند و سعی داشتند جلوی نشر تشیع را در داخل خاک خود بگیرند به همین دلیل دست به اقدامات خشونت آمیز ضد شیعیان آناتولی زدند و بسیاری از بی گناهان را به قتل رسانیدند به همین جهت به طور مثال از دو قبیله حمید لووتکه را می توان نام برد که از جرم و ستم سلاطین عثمانی به تنگ آمده و در صدد کسب این گونه آزادی ها بودند (یوسف جمالی، ۱۳۹۱؛ ۴۷۴-۴۷۵).

از میان روابط خارجی صفویان، رابطه با عثمانی دارای اهمیت زیادی می باشد که می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. همسایگی دیوار به دیوار غربی ایران،
۲. مشترکات دینی (خدا، پیامبر، کتاب)
۳. وضعیت روبه بهبود داخلی ایران بعد از روی کار آمدن صفویه،
۴. برگشتن ایران صفویه و نقش منطقه ای و جهانی خویش،

شیعیان عثمانی از فشار و تعدادی حاکمان عثمانی ناراحت بودند و بعد از ظهور شاه اسماعیل و تقویت شیعه در ایران جانی تازه گرفتند و شاه اسماعیل و ایران را حامی خوبی می دیدند، از شروع مخاصمه بین ایران و عثمانی از زمان بایزید دوم از آنجایی شروع می شود که شیعیان آناتولی در محدوده های آسیای صغیر به ویژه تکه ایلی بو ولایات جنوبی آسیای صغیر با دولت مرکزی درگیر بودند و تمایل مهاجرت و پناهندگی به ایران را بروز می دادند و پناهندگی های اولیه به ایران چرخ صنعت و کشاورزی و اقتصاد در آنتالیا فلج کرده بودند این پناهندگی ها دلایل دیگری داشت از جمله:





۱. در اقلیت ماندن تعداد زیادی از شیعیان و طرفداران خاندان صفوی،  
 ۲. بدرفتاری حکام و ماموران مالیاتی عثمانی نسبت به شیعیان آناتولی،  
 ۳. توجه خاص دولت صفویه به مریدان در آناتولی و آسیای صغیر خصوصاً شیعیان،  
 ۴. دررفاه بودن پناهندگان و مهاجرانی که پس از سال ۹۰۶ هجری قمری به ایران آمده بودند و در حمایت صفویه به سر می بردند،

۵. اسکان پناهندگان در ایران و اصفهان علی رغم اختلاف مسلک (یوسف جمالی، ۱۳۹۱، ۴۷۱).  
 جمع بندی کلی عوامل موثر در چگونه کینه ها و سر سختی ها برای شروع جنگ چه به صورت پنهان به صورت آشکار عوامل موارد بسیاری می توان اشاره نمود که از میان آنها می توان به علتی مهم اشاره داشت که عبارت است از پناه دادن مخالفان سلطان سلیم همچون مراد برادر زاده سلیم پسر احمد و حمایت از آنها علیه سلطان سلیم بوده است (یوسف جمالی، ۱۳۹۱، ۴۸۰).

## ۱۱- پناهندگان از عثمانی به ایران

### ۱۱-۱- بایزید

یکی از حوادث مهمی که در تاریخ صفویه و پناهندگی رخداد نمود بین ایران و عثمانی جنگ چالدران و پناهندگی بایزید پسر سلطان سلیم دوم به ایران بود به اختلافات پدر و پسر و برادرش سلیم دوم معروف به سرخوش سلیم و یاساری سلیم که دوره فرمانروایی این سلطان معروف به قانونی در تاریخ عثمانی و عصر طلایی امپراتوری عثمانی معروف می باشد در اثر برخورد شدیدی که بین دو پسر سلیم دوم و بایزید سوم در قونیه رخ داده بود سلیمان به تحریک ملکه حرم مادر سلیم دوم از سلیم جانبداری کرد و این امر باعث کدورت پسر دیگرش بایزید شده و او را به سوی ایران به پناهندگی فرستاد (پورگشتال؛ ۱۳۶۷؛ ۳۰۳).

در ۹۶۶ هجری قمری حاکم کوتاهیه عثمانی یعنی سلطان بایزید سلیم پسر سلطان سلیم از مقام خود برکنار و آن ایالت را به پسر بزرگتر سلطان سلیمان یعنی سلیم واگذار نمود بایزید که از این اقدام خشمگین شده بود برای دفع سلطان سلیم عازم قونیه شد سلطان سلیم از پدرش استمداد طلبی و در حوالی قونیه شکست خورد و به آماسیه گریخت تقاضای عفو نمود و پدرش تقاضای وی را نپذیرفت سپس بایزید به ارزروم آمد و با اسکندر پاشا جنگید اما با ده هزار نفر از سپاهش تا ایروان گریخت و در آنجا از پادشاه ایران تقاضای پناهندگی کرد تقاضای وی پذیرفته شد و در ۹۶۷ هجری قمری وارد قزوین شد (نوائی و غفاری فرد، ۱۳۹۱؛ ۱۲۷-۱۲۶).

با توجه به اهمیت این شاهزاده فراری عثمانی بایزید؛ که علیه پدرش سلطان سلیم طغیان کرده بود اوسعی کرد طهماسب را به حمایت از هدفش با فرستادن لشگری برای مبارزه با عثمانیان ترغیب کند که موفق نشد بنابراین طهماسب در ۱۵۶۲



میلادی ۹۶۹ هجری قمری بایزید و چهارپسرش رابه هیئات عثمانی تسلیم نمود و پیمان آماسیه دوباره مورد تایید طرفین واقع شد (سیوری؛ ۱۳۹۲؛ ۲۲).

باز هم رخدادی مهم حادث شد و در سال ۹۶۶ هجری قمری دو کشور ایران و عثمانی نزدیک بود با هم وارد جنگی دیگر شوند و آن هم به دلیل پناهنده شدن شاهزاده ترک و پسرش سلیمان به ایران بود وی که در کوتاهیه بود و آرزوی سلطنت داشت با سلیم پسر سلیمان و ولیعهد و در رقابت بود با یزید در جنگی که بین او و سلیم در گرفت شکست خورد و وی فرار نمود و به سرحدات ایران، ایروان وارد شد و به قزوین رفت ولی وی در قزوین توطئه ایی بر ضد شاه طهماسب در ترتیب داد که شاه وی را بازداشت نمود و در ۹۶۹ هجری قمری شاه طهماسب بر اساس عهدنامه بین ایران و عثمانی که طرفین می بایست پناهندگان سیاسی را تحویل دهند با یزید و چهارپسرش تسلیم عثمانی ها داده شدند (نوایی؛ ۱۳۸۹؛ ۲۵-۲۲).

#### ۱۱-۲- مراد:

برادر زاده سلیم؛ وی در ابتدا پس از مرگ سلطان بایزید از احمد که جانشین بی شک وی بود پس از قتل او به فرمان سلطان سلیم از پسرش مراد حمایت می کرد اسماعیل در نظر داشت از مراد برای بسیج مخالفین سلطان سلیم استفاده کند اما هنگامی که حمایت مورد انتظار از مراد صورت نگرفت از این نقشه چشم پوشید، مراد پناهنده به ایران شد و بعدها در کاشان درگذشت. (نوایی؛ ۱۳۹۱؛ ۱۲۷-۱۲۶).

#### ۱۱-۳- شاهقلی

بسیاری از مردمان تکلو در ۹۱۷ هجری قمری پس از شورش وسیع مریدان و پیروان شاه اسماعیل صفوی به ایران آمدند رهبر این شورش شاه قلی بابا پسر و جانشین حسن خلیفه تکلو بود که مورخان عثمانی به وی لقب شیطان قلی داده اند (یوسف جمالی؛ ۱۳۹۱؛ ۴۰۵-۴۰۸).

شیخ علی بن الحسین بن عبدالعالی کرکی : مشهور به محقق ثانی از دانشمندان تراز اول کرک (بعلبک لبنان) است که در عراق ساکن، و در نجف مشغول به تحصیل و از لحاظ فقهی مقام عالی را دریافت داشت شاه طهماسب او را خاتم المجتهدین عصر خویش می نامید وی در ابتدای عصر صفوی پس از فتح عراق در سال ۹۱۴ هجری قمری به همراه سایر علمای نجف به ایران مهاجرت اجباری داده شد و برای گسترش دین و دولت صفویه هم سازگاری پیشه کرد و به ایران پناهنده شد (یوسف جمالی؛ ۱۳۹۱؛ ۳۷۱-۳۶۸).

#### ۱۱-۴- علی پاشا از عثمانی

در روز ۱۸ ربیع الثانی قزلباشها وارد تبریز شدند مردم استقبال گرمی داشتند عثمانی ها پنداشتند اهالی تبریز سر به شورش برداشتند، مردم به کشتار لشکریان عثمانی پرداختند. پاشا و صاحب منصبان عثمانی که نگهبانی قلعه شهر تبریز را بعهده داشتند از علی پاشا حاکم تبریز که برای سرکوب کردها به حدود سلماس رفته بود کمک خواستند. در جنگ، عثمانیان



شکست خوردند و علی پاشا اسیر شد. شاه که از شجاعت وی خوشش آمده بود دستور داد که پسرش را به او تحویل و دارایی هایش را که در قلعه تبریز بود به او پس دهند. علی پاشا که انتظار چنین رفتار جوانمردانه ای را از شاه عباس نداشت بی درنگ به شاه عباس پناهنده شد و به خدمت او در آمد و مذهب شیعه اختیار کرد و از جمله ندیمان و نزدیکان شاه عباس شد (شاه، ۱۳۷۰؛ ۱۶۲، ۱۵۸).

## ۱۲- پناهندگان از هند و مغول به ایران

### ۱۲-۱- محمد اکبر فرزند اورنگ زیب

که بر ضد پدر شورش نموده و در ۱۶۸۱ میلادی خود را شاه خواند، پس از این که تاج بر سر نهاد و نتوانست در هند بماند به ایران پناهنده شد شاه سلیمان وی را پذیرفت ولی از کمک نظامی به وی امتناع کرد، ولی پس از مرگ پدرش (اورنگ زیب) به او کمک نمود؛ تا به ملک موروثی خود برسد و حتی اجازه زندگی در مشهد به وی داده شد (نویسی؛ ۱۳۷۷، ۷۲-۷۱).

### ۱۲-۲- همایون

که بعد از محمد پادشاه که در عهد پدری به سال ۹۲۶هـ.ق بعد از فوت خان میرزا والی بدخشان شده بود اثر نزاع با برادرانه خصوصاً کامران میرزا که در سال ۹۵۱ هجری قمری اتفاق افتاد به دربار شاه طهماسب پناهنده شد (قاضی احمد؛ ۲۴۰-۱۳۶۳).

پس از اینکه ظهیرالدین محمد بابر که بنیان گذار دودمان مغول بزرگ در هند که در سال ۹۳۲ هجری قمری با فتح دهلی اساس و پایه حکومت سیمند و اندی ساله گورکانیان هند را پی ریزی نمود در سال ۹۳۷ هجری قمری در زمان شاه طهماسب اول این واقعه اتفاق افتاده است (پارسا، ۱۳۷۷؛ ۳۷).

در سال ۹۴۶ هجری قمری با مخالفت شیرخان سوری افغان ملقب به بهادر شاه از امرای محلی هندوستان روبرو شد و به اجبار به جنگ او رفت با یکدیگر صلح نمودند ولی شیرخان خیانت نمود و در این میان همایون از طریق قندهار، کابل، سیستان خود را به ایران رساند و پناهنده شد (نویسی؛ ۴۵، ۱۳۸۹-۴۹).

### ۱۲-۳- شیخ شریف هندی

از علمایی است که اصالت هندی داشته که در سال ۹۶۰هـ.ق به خاطر اختلافاتی که بین وی و عادل خان (شاهد هند) به ایران مهاجرت کرد و پناهندگی گرفت (حیدرزاده، ۸۷).

### ۱۲-۴- شاهزاده بولاقی

در دوره شاه عباس دوم به ایران پناهنده شد و در قزوین مستقر و وظیفه خوار، به اصفهان به دربار شاه رفت، این مرد خود راداور بخش پسر خسرو، پسر جهانگیر معرفی می کرد ولی ظاهراً داور بخش در هنگام ورود شاه جهان به عرصه سلطنت



کشته شده بود و این مرد شاهزادای دروغین بوده، که سیاست صفوی اقتضا می کرد او را در دربار نگه دارند و شاه عباس وی را آماده می کرد تا به هند بفرستد که با پیروزی اورنگ زیب بربرادران وی در ایران ماندنی شد و به قزوین برگشت (نوایی؛ ۱۳۷۷، ۶۸).

### ۱۳- پناهندگان از ازبک به ایران

#### ۱۳-۱- نورمحمد خان

حاجی محمد خان پادشاه خوارزم رابطه داشت در این میان عبدالله خان ازبک و پسرش عبدالمومن خان به قصد تصرف ولایات خراسان تامشهد و نیشابور پیش آمده بودند وی از شاه عباس تقاضای کمک نمود شاه عباس فرهاد قرمانلو یکی از سرداران خویش را به جانب خراسان فرستاد، وی در نیشابور اردوگاه زد و قاسم بی حاکم مشهد از عبدالمومن خان که در بلخ بود کمک خواست وی با حيله توانست نیشابور را تصرف کند عبدالمومن خان از نیشابور نامه ای تهدید آمیز به شاه عباس نوشت شخص شاه به خراسان لشکر کشید نور محمد خان که از امداد عبدالله خان در جنگ با حاجی محمد خان ناامید شده بود بدون اجازه عبدالله خان به ولایت خود بازگشت عبدالله خان دوستی سلاطین خوارزم را با شاه عباس نمی پسندید عبدالمومن خان را برای تسخیر ایبورد، نسا و نیشابور به خراسان فرستاد و خود به خوارزم لشکر کشید پس از آنکه عبدالمومن خان به مرو رسید نور محمد خان که در خود یارای مقاومت نمی دید به شاه عباس پناهنده شد (بیگ منشی؛ ۱۳۷۷، ۶۹۴، ۶۹۵، ۷۰۵، ۷۰۶).

#### ۱۳-۲- امامقلی خان:

پادشاه ترکستان نابینا شد و ازبکان برضد وی توطئه نمودند و به جای وی برادرش ندر محمدخان را به تخت نشاندند خان مغول تصمیم گرفت برای مداوای چشم های خویش و معالجه و درخواست کمک از پادشاه ایران مجدداً به ترکستان برگشته و تاج و تخت را به دست گیرد و با این نیت ها به ایران پناهنده شد شاه عباس دوم از وی استقبال شایسته ای کرد تا به قزوین رسید، او در آنجا دو ماه مهمان شاه بود، سپس تصمیم گرفت به حج رود که در میانه راه بیمار شد و درگذشت (قزوینی؛ ۱۳۷۶، ۷۶).

#### ۱۳-۳- ندرمحمد خان (امیرازبک)

پس از اینکه سپاه گورکانیان هند وارد بلخ شد امیر ازبک ندر محمد خان مجبور شد که به ایران پناهنده شود ندر محمدخان در ایران به احترام پذیرفته شد اما برای جلب کمک ایرانیان برای حمله به گورکانیان موفق نبود (نوایی، ۱۳۷۷؛ ۶۴-۶۶).

ندر محمد خان پس از برکناری امام قلی خان مردم برادرش ندر محمد خان را در ترکستان مستقر نمودند امیرابابالعزیز همدست شدند و ندرمحمد خان اول به هند پناهنده شد و چون حيله هندیان را دید به طرف مرو ایران آمد و پناهنده شد



و به اصفهان منتقل گردید و با کمک شاه عباس دوم روانه تاجیکستان شد و توانست بلخ را در ۱۰۵۶ هجری قمری تصرف کند و به قدرت برسد و دوباره در ۱۰۶۰ هجری قمری ندر محمد خان توسط پسر کوچکش سبحان قلی معزول و به ایران برای بار دوم پناهنده گشت و در چمن بسطام (خراسان) در گذشت (یوسف جمالی؛ ۱۳۸۹، ۲۴۱، ۲۴۰).

#### ۱۴- بحث و نتیجه گیری

بعد از تحقیق در خصوص موضوع پناهندگی خارجی به ایران در دوره صفویه نتایج زیر حاصل شد:

پناهنده و پناهندگی نه تنها در دوره اسلامی بلکه در ایران باستان هم رسم و رواج داشته، مسئله پناه و پناهندگی در همه دوران ها در سراسر دنیا رسم بوده و هنوز هم هست، پناهندگی ها به ایران خصوصاً از عثمانی به ایران تحت تاثیر شدید مذهبی بوده، در دوره صفویه پناهندگی ها به ایران خصوصاً عثمانی به ایران به بیشترین کثرت را از لحاظ کمیت داشته، در دوره صفویه پناهندگی ها به ایران و سوزن از عثمانی شرکت طایفه ای و قبیله ای به صورت چشمگیری دیده می شود، در دوره صفویه پناهندگی ها به ایران خصوصاً از عثمانی به ایران پناهندگی سیاسی و در باری هم داشته ایم، این پناهندگی ها از عثمانی به ایران با توجه به مدت عمر شروع این سلسله قابل تامل است، این پناهندگی ها از عثمانی به ایران با توجه به وضعیت اقتصادی ایران قابل تامل است، این پناهندگی ها از عثمانی به ایران نشانگر آن است که پناهندگان خصوص طایفه ای به ایران به شکل مامنی می نگریسته اند، این پناهندگی ها از عثمانی به ایران نشانگر آن است که دولت جوان صفویه از شیعیان عثمانی به شدت حمایت می کرده، این پناهندگی ها از عثمانی به ایران نشانه آن است که تبلیغات و کارهای روانی صفویه در بین شیعیان مستقر در جغرافیای عثمانی موثر واقع شده است، این نکته قابل توجه است که چرا عثمانی با سابقه چند قرنی در حکومت داری نتوانسته شرایط را برای زندگی اقلیت های مذهبی (شیعیان) خود مهیا نمایند، با توجه به فضای زندگی قومی و ایلی و قبیله ای در آن دوران طبیعی به نظر می رسد که اقدام به پناهندگی جمعی باشد موردی که امروز به ندرت و یا اصلاً با آن برخورد نمی کنیم فقط ما روند پناهجویی به خارج را توسط ایرانیان قبلاً بررسی نموده ایم و در حال حاضر روند پناهجویان خارجی به ایران را هم بررسی کردیم شاید این نابهنجاری آن دوره نسبتاً طبیعی به نظر برسد که البته یکی از وظایف دولت ها و سلسله های حکومتی است که شرایط را برای زندگی شهروندان خویش مهیا نمایند که کمتر اشخاص یا گروه هایی (مطرح نخبه) به دنبال این نابهنجاری پناهندگی باشند.



## منابع

- اردلان، اسعد، ۱۳۸۷، پناهندگی دیپلماتیک فصل نامه سیاست خارجی، سال ۲۲، شماره ۴.
- بابوردی، حسین، ۱۳۴۹، تاریخ پناهندگان ایران (از عهد صفویه تا پایان قاجار)، تهران، انتشارات وحید پارسا دوست، منوچهر، ۱۳۷۷، شاه طهماسب اول، تهران، انتشارات سهامی پورگشتال، یوزف هامر، ۱۳۶۷، تاریخ امپراطوری عثمانی، ترجمه: میرزا زکی علی آبادی، جلد ۲، تهران، انتشارات زرین.
- ترکمان، اسکندر بیگ، ۱۳۷۵، تاریخ عالم ارای عباسی، به اهتمام ایرج افشار، ج ۱ و ۳، تهران، انتشارات امیر کبیر حیدر زاده، توفیق، ۱۳۷۶، مهاجرت علمای ایران به امپراطوری عثمانی، نشریه فرهنگ، شماره ۲۱-۲۰.
- خنجی، فضل الله ابن روزبهان، ۱۳۶۲، سلوک الملوک. تصحیح محمد علی موحد، تهران، انتشارات خوارزمی. خواند میر، امیر محمود، ۱۳۵۰، بدایع الوقایع، تصحیح الکساندر بلدروف، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران روملو، حسن بیگ، ۱۳۴۹، احسن التواریخ، تهران، انتشارات اساطیر.
- سومر، فاروق؛ ۱۳۴۹؛ تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران؛ مترجم: ابوالقاسم طاهری، چاپ ۱، تهران؛ انتشارات کتاب‌های جیبی
- سومر، فاروق؛ ۱۳۷۱، نقش ترکان آناتولی در تشکیل و توسعه دولت صفویه، ترجمه احسان اشراقی و محمدنقی امامی تهران، انتشارات گسترده
- شاو، استانفورد جی، ۱۳۷۰، تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید، مترجم محمود رمضان زاده، جلد یک مشهد، انتشارات آستان قدس .
- عمید، حسن جلد اول، فرهنگ فارسی عمید، تهران انتشارات امیرکبیر
- غفاری، قاضی احمد، ۱۳۴۳، تاریخ جهان آرا، تهران، انتشارات حافظ.
- فلسفی، نصر الله، ۱۳۴۷، زندگی شاه عباس اول، جلد ۲، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- قاضی احمد، حسین القمی، ۱۳۶۳، خلاصه التواریخ، به تصحیح احسان اشراقی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- قزوینی، ابوالحسن، ۱۳۷۶، فواید الصفویه، تصحیح مریم میر احمدی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- کیهانلو، فاطمه، ۱۳۹۰، پناهندگی نظریه ها و رویه ها، تهران، انتشارات جنگل
- منشی، اسکندر بیگ، ۱۳۷۷، تاریخ عالم ارای عباسی، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، سه جلد، تهران انتشارات دنیای کتاب.
- نظری تاج آبادی، حمید، ۱۳۶۹، مسئله پناهندگی بررسی جنبه های مختلف حقوقی، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل.
- نوائی، عبدالحسین ۱۳۷۷، روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه، جلد ششم تهران انتشارات سمت



نوائی، عبدالحسین. غفاری فرد، عباسقلی، ۱۳۹۱، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه، تهران، انتشارات سمت.

نهری، جواهر، ۱۳۵۰، کشف هند، ترجمه: محمود تفضلی، تهران، انتشارات امیر کبیر.

ولایتی، علی اکبر، ۱۳۷۵، تاریخ روابط خارجی ایران در عهد شاه اسماعیل، تهران انتشارات وزارت امور خارجه یوسف جمالی، محمد کریم، ۱۳۹۱، تاریخ تحولات ایران عصر صفوی از شیخ صفی تا شاه عباس اول، نجف آباد، انتشارات دانشگاه آزاد

یوسف جمالی، محمد کریم، ۱۳۷۲، تشکیل دولت و تعمیم مذهب امامی در ایران، اصفهان انتشارات امیر کبیر.